

# پژوهشهای حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۳

هزار و سیصد و نود و پنج - نیمسال دوم

- ۷ نقش عرفهای تجاری در تجارت بین الملل؛ تأثیر متقابل کنوانسیون بیع بین الملل و قواعد اینکوترمز ۷  
دکتر محمود باقری - سروش رستمزاد اصلی - ناصر عزیزی
- ۳۳ شیوه‌های مقررات‌گذاری تبلیغات تجاری خطاب به کودکان در تلویزیون  
دکتر باقر انصاری - منیژه هاشمیان
- ۵۵ تأملی بر انحلال سازمان‌های بین‌المللی  
دکتر منصور جباری - مسعود احسن‌نژاد
- ۸۱ برخی مقررات اتحادیه اروپا در راستای تقریب ملل و نیل به فدرالیسم اروپایی  
دکتر سید حسین طباطبایی
- ۹۹ جرم‌شناسی مدرن و روابط متقابل میان جرایم  
دکتر علیرضا میلانی - محمد حاجی قاسمی اردبیلی
- ۱۱۵ حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه در چارچوب اسناد بین‌المللی  
آرمین طلعت - محمد آهنگر اصیل
- ۱۴۷ شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در محاق سیاست ملی دولت‌ها: مطالعه موردی کره شمالی  
دکتر آرامش شهبازی - صمصام عوض‌پور
- ۱۷۵ مقایسه محدودیت‌های صدور اسناد رسمی با اسناد الکترونیکی مطمئن  
دکتر عباس کریمی - امیر سپاهی
- ۱۹۷ شرط گام ابتکاری در نظام اختراعات ایران  
حامد نجفی - مهسا مدنی
- ۲۱۷ بحران میانمار در آیین حقوق بشر  
مرضیه قلندری
- ۲۵۳ بررسی بزه‌های ناتمام در حقوق کیفری ایران  
علیرضا رحمانی نعیم‌آبادی





## تأملی بر انحلال سازمان‌های بین‌المللی

دکتر منصور جباری\* - مسعود احسن نژاد\*\*

### چکیده:

سازمان‌های بین‌المللی در طول حیات خود با وضعیت‌های مختلفی مواجه می‌گردند. یکی از مهم‌ترین فصل‌های زندگی این سازمان‌ها دوره انحلال و پایان یافتن شخصیت حقوقی بین‌المللی آنها است. نقش معاهده به عنوان اساسنامه در ادامه حیات آنها و نقش دولت‌ها در تأسیس آنها از یکسو و استقلال و شخصیت بین‌المللی آنها از سوی دیگر باعث اختلاف نظر در خصوص مبنای انحلال سازمان‌های بین‌المللی گشته است. از سویی انحلال سازمان‌های بین‌المللی را ناشی از اراده دولت‌ها دانسته‌اند، و از سویی دیگر اراده خود سازمان‌ها را عامل آن تلقی دانسته‌اند. در این مقاله سعی شده است، با توجه به ماهیت سازمان‌های بین‌المللی و شیوه‌های انحلال آنها، مبنای جامعی از انحلال نمایان شود.

### کلیدواژه‌ها:

سازمان‌های بین‌المللی، شخصیت حقوقی بین‌المللی، مبنای انحلال، شیوه‌های انحلال.

\* استاد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.

Email: mansorjabari@gmail.com

\*\* کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، نویسنده مسؤول

Email: Masoud\_ahsannejad@yahoo.com

## مقدمه

سازمان‌های بین‌المللی با پیدایش و رشد سریعی که از قرن نوزدهم پیدا کردند همواره موجب برانگیخته شدن سؤالاتی در مورد ارتباط آنها با دولت‌های سازنده‌شان شده‌اند. اراده، استقلال و شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی در بعضی موارد تحت‌الشعاع اراده دولت‌های سازنده آنها نگریده شده است.<sup>۱</sup> به طوری که گاهی سازمان‌ها را متبوع اراده دولت‌ها دانسته‌اند، این در حالی است که بحث استقلال و شخصیت حقوقی سازمان‌ها آثار متعددی از خود بر جای گذارده است. این آثار از جمله در ابراز اراده آنها و در نهایت در مورد مسؤولیت بین‌المللی‌شان به خوبی مشهود است.<sup>۲</sup>

سازمان‌های بین‌المللی جدا از رابطه‌شان با دولت‌های عضو که متعاقباً به آن پرداخته خواهد شد، با توجه به تأثیر عامل زمان و نیازهای برخاسته از آن، در حیات خود دوره‌های مختلفی از ظهور، رشد، تکامل، تعلیق و در نهایت انحلال را ممکن است تجربه کنند. البته این سخن به هیچ‌وجه نافی امکان انطباق آنها با مقتضیات زمان نمی‌تواند باشد.

علی‌رغم اینکه انحلال سازمان‌های بین‌المللی به طور گسترده مورد بحث قرار نگرفته است، با این حال محل نزاع عقاید مختلف بوده است. بحث انحلال به ویژه در ارتباط با شخصیت حقوقی بین‌المللی بوده و مقدم بر سازمان‌های بین‌المللی، در مورد دولت‌ها هم بارها مطرح گشته است. جالب اینکه، با توجه به روابط بعضاً در هم تنیده دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، در برخی موارد حتی انحلال دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی با هم تقارن زمانی یافته‌اند.<sup>۳</sup> موضوع دیگری که بی‌ارتباط با انحلال سازمان‌های بین‌المللی نیست جانشینی در میان سازمان‌ها می‌باشد لکن در این مجال تنها به تأمل در مبنای انحلال سازمان‌های بین‌المللی اکتفاء خواهد شد.

در این نوشتار کوشش شده است تا با دید جامعی به موضوع مبنای انحلال سازمان‌های بین‌المللی نگریسته شود. به همین جهت سؤال مطرح‌شده این است که با توجه به اراده مجزای دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مبنای انحلال سازمان‌ها اراده کدام‌یک می‌تواند

1. Ramses, Wessel, "Dissolution and Succession: The transmigration of the Soul of International Organizations." in *Research Handbook on International Organizations*, ed. Jan Klabbers and Asa Wallendal (Cheltenham: Elgar Publishers, 2011), 342-362.

۲. سید قاسم زمانی، *حقوق سازمان‌های بین‌المللی: شخصیت، مسؤولیت، مصونیت* (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۸۸)، ۳۷-۳۹.

3. Michael G. Schechter, *Historical Dictionary of International Organizations* (Lanham, Toronto, Plymouth, UK: The Scarecrow Press, Inc, 2010), 54.

باشد. با این وصف، بحث در سه مبحث ادامه داده خواهد شد. در مبحث نخست به بررسی مفهوم انحلال و کاربردهای آن در حقوق بین‌الملل، در مبحث دوم به چالش کشیده شدن اراده و شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی به واسطه انحلالشان و نهایتاً در مبحث سوم به مبانی انحلال سازمان‌های بین‌المللی و نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت.

### ۱- مفهوم انحلال و موارد استعمال آن در حقوق بین‌الملل

واژه انحلال در لغت از معانی مشخصی برخوردار است، از جمله در لغت‌نامه دهخدا برای این واژه مفهوم متلاشی شدن و برچیده شدن آورده شده است، یا در فرهنگ معین واژه مورد نظر مترادف با از هم پاشیدن و تعطیلی دانسته شده است.

در فرهنگ‌های تخصصی حقوقی نیز معانی مشابهی برای آن در نظر گرفته‌اند به عنوان مثال آورده‌اند که انحلال<sup>۴</sup> عملی است که به امری پایان می‌بخشد<sup>۵</sup>. یا اینکه در معنای پایان و خاتمه<sup>۶</sup> مورد استفاده قرار گرفته است<sup>۷</sup>. لذا بر اساس معانی برشمرده شده می‌توان پی به این امر برد که واژه مورد نظر از گستردگی زیادی برخوردار نیست و به طور اجمال می‌توان معنای برچیده شدن و خاتمه را برای آن در نظر گرفت. در حقوق داخلی هنگام بحث در مورد اشخاص حقوقی از این اصطلاح استفاده می‌شود؛ به طوری که شرکت‌های تجاری همانند هر شخص حقوقی دیگر به دلایل مختلف به پایان عمر و فعالیت خود می‌رسند و پایان حیات شخص حقوقی با مفهوم انحلال هم‌زاد است<sup>۸</sup>.

در حقوق بین‌الملل عمومی مفهوم انحلال در مورد تابعان اصلی آن یعنی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است که عینیت می‌یابد. در تعریف انحلال یا فروپاشی دولت‌ها گفته می‌شود که در نتیجه انحلال، یک دولت موجود به عنوان یک شخصیت حقوقی به سرانجام و پایان عمر خود می‌رسد<sup>۹</sup>. در این پروسه با خاتمه دولت مزبور نهادهای حاکمه و مستقل جدیدی جایگزین آن می‌گردند<sup>۱۰</sup>. به عبارت دیگر انحلال یا فروپاشی یعنی تقسیم قلمرو

4. Dissolution.

5. The act of bringing to an end.

6. Termination.

7. Bryan A. Garner, *Black's Law Dictionary* (Thomason west, 2004), 507.

۸. محمدرضا پاسبان، حقوق شرکت‌های تجاری (تهران: سمت، ۱۳۸۷)، ۳۴۵.

9. Malcolm N, Shaw, *international law*, (6th Ed, Cambridge University Press, 2008), 979.

10. Steven, Wheatley, *Democracy, Minorities and International law* (Cambridge University Press, 2005), 100.

کشوری به دو یا چند کشور جدید با انحلال کشور اصلی<sup>۱۱</sup>. مفهوم انحلال دولت‌ها را نباید با انفصال به مثابه جدایی بخشی از سرزمین موجود تعریف کرد که در عین حال دولت یادشده همچنان باقی می‌ماند، به عکس هنگامی از انحلال سخن می‌گویند که دولت موجود فرو می‌پاشد و به چند دولت جدید تقسیم می‌شود؛ این تمایز فقط گزارشگر دل‌مشغولی دقت در کاربرد اصطلاحات نیست، بلکه دارای آثار بسیار مشخص در مورد قواعدی است که در مسئله جانشینی دولت‌ها قابل اعمال اند<sup>۱۲</sup>.

انحلال سازمان‌های بین‌المللی برعکس جانشینی<sup>۱۳</sup> آنها، در دکتترین به روشنی تعریف نشده است ولی با در نظر گرفتن مصادیق بارشده بر این مفهوم باید گفت که تفاوت چندان با مفاهیم انحلال در موارد اشاره‌شده در فوق ندارد. در اینجا نیز منظور برچیده شدن و پایان یافتن عمر و شخصیت حقوقی یک سازمان بین‌المللی است. این مفهوم اشاره به وضعیتی دارد که اعضای سازمان به این نتیجه می‌رسند که سازمان اهداف خود را به اتمام رسانده و یا اینکه اوضاع و احوال به وجود آمده مانع از ادامه یافتن کارکردهای سازمان است و در نتیجه سازمان مذکور بلا استفاده می‌ماند که اثر طبیعی آن هم انحلال و از بین رفتن سازمان مزبور است<sup>۱۴</sup>.

علی‌رغم اینکه انحلال در حقوق بین‌الملل هم در مورد دولت‌ها و هم در مورد سازمان‌های بین‌المللی در مفهوم پایان شخصیت حقوقی یک دولت یا سازمان بین‌المللی استعمال می‌شود، با این حال در هر کدام از آنها آثار مختلفی را بجا گذارده و از لحاظ شرایط و مبانی انحلال هم موجبات گوناگونی برای هر یک متصور است.

۱۱. محمدرضا ضیائی بیگدلی، «رژیم حقوقی دریای خزر از دیدگاه جانشینی کشورها»، *مجله پژوهش حقوق و سیاست* ۲۶ (۱۳۸۸)، ۲۶۴.

۱۲. نگوین کوک‌دین، پاتریک دیننه و آلن پله، *حقوق بین‌الملل عمومی*، ترجمه حسن حبیبی (تهران: مؤسسه اطلاعات، ۱۳۸۲)، ج ۱، ۸۶۰.

13. Succession.

در تعریف جانشینی گفته شده است که عبارت است از انتقال کارکردها و حقوق و تکالیف مربوط به یک سازمان بین‌المللی به سازمان بین‌المللی دیگر.

Patrick R. Myers, *Succession between International Organizations* (London and New York: Kegan Paul International, 1992), 12.

14. Philippe Sands and Pierre Klein, *Bowett's Law of International Institutions* (New York: Sweet & Maxwell, 2001), 526.

## ۱-۱- اصل جانشین شدن دولت جدید در صورت انحلال دولت پیشین ۱۵

انحلال دولت‌ها در حقوق بین‌الملل به طور تنگاتنگی با مفهوم جانشینی در ارتباط است. مسئله جانشینی دولت‌ها پدیده نوینی نیست و سال‌هاست که دو پدیده به ظاهر متناقض تجزیه و وحدت در سازمان سیاسی جامعه بین‌المللی خودنمایی می‌کند.<sup>۱۶</sup>

به ترتیبی که بیان گردید انحلال مترادف با از میان رفتن شخصیت حقوقی بین‌المللی است. بر این اساس بعضی از صاحب‌نظران، مسئله زوال شخصیت بین‌المللی دولت‌ها را با مسئله جانشینی دولت‌ها مرتبط دانسته، و به همین سبب از ایهام عبارت «جانشینی دولت‌ها» سخن به میان آورده‌اند. با اینکه این رابطه از جهاتی در خور تأمل است، نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که در مواردی، بی‌آنکه شخصیت بین‌المللی دولت از میان برود، جانشینی بین‌المللی مطرح می‌شود، و این در مواقعی مصداق دارد که حاکمیت بر بخشی از سرزمین یک دولت تغییر یابد.<sup>۱۷</sup>

لذا اگرچه جانشینی تنها منحصر به انحلال دولت‌ها نیست ولی جانشینی دولتی دیگر به جای دولت پیشین در محدوده و قلمرو سرزمینی که سابقاً تحت حاکمیت دولت پیشین قرار داشت از آثاری است که در پی انحلال دولت‌ها پدید می‌آید.

با این حال آنچه که در مورد انحلال و فروپاشی دولت‌ها و بحث جانشینی در مورد آنها گفته شده به ترتیبی نیست که در مورد سازمان‌های بین‌المللی به وقوع می‌پیوندد علی‌رغم امکان زیاد وقوع جانشینی در صورت انحلال سازمان‌های بین‌المللی، نمی‌توان گفت که وقوع جانشینی بعد از انحلال آنها به عنوان یک اصل یا قاعده کلی حقوقی سازمان‌های بین‌المللی<sup>۱۸</sup> می‌باشد.<sup>۱۹</sup> نمونه‌هایی هم از سازمان‌های بین‌المللی وجود دارند که بدون آنکه

۱۵. البته منظور از این اصل این نیست که جانشینی صرفاً در صورت انحلال دولت‌ها ممکن است رخ دهد، بلکه در صورت وقوع اتحاد بین دو یا چند دولت نیز این انتظار می‌رود برای نمونه می‌توان به اتحاد آلمان اشاره کرد.

۱۶. سیده سپیده ساداتی‌فر، «جانشینی دولت‌ها در معاهدات حقوق بشری» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۶)، ۳.

۱۷. هدایت‌الله فلسفی، *حقوق بین‌الملل معاهدات* (تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۳)، ۶۰۲-۶۰۱.

18. General principles of international organization law.

۱۹. در خصوص اطلاق عنوان اصل کلی حقوقی [...] باید گفت که این استنباط حکایت از رویه دیوان بین‌المللی دادگستری دارد. دیوان بین‌المللی دادگستری در مواردی که هنجاری، در کل مقبول می‌افتد؛ آن هنجار را به عنوان قاعده جافتاده، یا اصل حقوق بین‌الملل عرفی، و بعضاً هم به عنوان جزئی از حقوق بین‌الملل بیان می‌کند. نک:

Maurice Mendelson, "The international court of justice and the sources of international law," in *Fifty years of the international court of justice*, ed. Vaguhan Lowe and Malgosia Fitzmaurice (Cambridge University Press, 1996), 107.

سازمان دیگری جانشین آنها شود، موجودیتشان پایان یافته است. بارزترین مثال‌ها را در این مورد می‌توان بعد از فروپاشی بلوک شرق در اروپا یافت. در پی فروپاشی این بلوک است که شاهد انحلال کامل سازمان پیمان ورشو (اتحادیه نظامی فیما بین کشورهای کمونیستی) و بازار مشترک اقتصادی کشورهای اروپای شرقی (کمکون) هستیم.<sup>۲۰</sup>

علت عمده وقوع جانشینی در صورت انحلال دولت‌ها و عدم حتمیت آن در مورد سازمان‌های بین‌المللی را باید در تفاوت ساختاری این دو عضو اصلی جامعه بین‌المللی دانست؛ دولت‌ها دارای عناصر سازنده‌ای هستند<sup>۲۱</sup> که عینی بوده و هر یک از فعل و انفعالاتی که در زمینه انحلال، تجزیه و وحدت دولت‌ها انجام می‌گیرد لاجرم آنها را نیز متأثر می‌سازد. به دیگر سخن همان‌طور که دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در نظریه مشورتی ۱۹۲۷ خود در مورد صلاحیت کمیسیون اروپایی دانوب مورد توجه قرار داده است مبانی اهلیتی دولت‌های حاکمه برخلاف اهلیت محدود کمیسیون اروپایی که ماهیت کارکردی دارد، سرزمینی است<sup>۲۲</sup> خود این مسئله ناگزیر منجر به مطرح شدن بحث جانشینی بعد از انحلال دولت‌ها می‌گردد.

#### ۱-۲- امکان تحدید زمانی سازمان‌های بین‌المللی

اسناد مؤسس سازمان‌های بین‌المللی، قبل از هر چیز یک معاهده هستند لذا همه شرایط و آثار مترتب بر طبق حقوق معاهدات در مورد آنها هم صادق خواهد بود. از جمله قیودی که امکان درج آن در معاهدات می‌رود، پیش‌بینی مدت برای آنهاست. امروزه در اکثر معاهدات قراردادی قید مدت به طور مشهودی قابل ملاحظه است. اگرچه در عهدنامه‌های حقوق معاهدات صریحاً ذکری از قید انقضای مدت معاهده به عنوان علل اختتام یا فسخ نشده است، اما این موجب، مسلماً در زمره موجباتی است که ماده ۵۴ آن عهدنامه‌ها<sup>۲۳</sup> به عنوان «اختتام معاهده طبق مقررات آن» به آن پرداخته است (بیگدلی، ۱۳۸۳، ص ۲۸۴). با درج چنین مقرره‌ای است که انحلال یا اختتام شخصیت حقوقی یک تابع حقوق بین‌المللی با اختتام معاهده‌ای بین‌المللی ترادف و تقارن می‌یابد. ماده ۹۷ سند مؤسس جامعه اروپایی زغال سنگ

۲۰. ابراهیم بیگزاده، حقوق سازمان‌های بین‌المللی (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۹)، ۱۱۳.

21. Peter Malanczuk, *Akehurst's Modern Introduction to International Law* (London: Routledge, 1997), 75.

22. Myers, op.cit., 11-12.

۲۳. ماده ۵۴ عهدنامه ۱۹۶۹ وین مقرر می‌دارد: فسخ معاهده یا خروج یک طرف از آن به طرق ذیل ممکن

خواهد بود:

الف - به موجب مقررات معاهده؛ یا

ب - در هر زمان با رضایت کلیه طرف‌ها پس از مشاوره با دیگر کشورهای متعاقد.

و فولاد چنین مقرر داشته که «عهدنامه حاضر از تاریخ لازم‌الاجراء شدنش برای یک دوره پنجاه‌ساله منعقد می‌گردد». با درج چنین قیودی در معاهدات مؤسس سازمان‌های بین‌المللی است که علی‌الاصول بایستی پس از انقضای آن خاتمه معاهده و انحلال سازمان محقق گردد. این در حالی است که دولت‌ها بدون هرگونه پیش‌شرط زمانی به وجود می‌آیند و برخلاف سازمان‌های بین‌المللی موقت که امکان تجدیدنظر در مدت آنها وجود دارد در صورت انحلال آنها، شخصیت حقوقی خاتمه‌یافته‌شان قابلیت تجدیدنظر ندارد.

### ۱-۳- مبانی انحلال در حقوق بین‌الملل

سخن از مبنای انحلال دولت‌ها بی‌ارتباط با مبنای شکل‌گیری دولت‌ها نیست چرا که همان مبنایی که از یکسو برای تشکیل دولت‌ها در نظر گرفته می‌شود از سوی دیگر ممکن است انحلال دولت‌ها را نتیجه دهند.

در حقوق بین‌الملل آنچه که بیشتر مورد توجه واقع شده شکل‌گیری دولت‌ها است و انحلال دولت‌ها به ویژه مبنای آن ظاهراً مورد توجه نبوده است، این از یکسو به دلیل تحت شعاع قرار گرفتن انحلال دولت‌ها به واسطه بحث جانشینی در آنهاست و از سوی دیگر به جهت اهمیتی است که موضوع دولت بودن<sup>۲۴</sup> در حقوق بین‌الملل از آن برخوردار شده است. امروزه این استدلال جا افتاده است که روند ایجاد دولت‌ها به صلاحدید انفرادی دولت‌ها واگذار نشده است و موضوعی است که در اصل تحت حاکمیت حقوق بین‌الملل قرار دارد.<sup>۲۵</sup>

آنچه که به قیاس از دولت بودن به نظر می‌رسد در مورد مبنای انحلال دولت‌ها هم اهمیت داشته باشد اصل حق تعیین سرنوشت است. جدا از اینکه در طول تاریخ معاصر دولت‌ها از این اصل جهت تجزیه امپراطوری‌های شکست‌خورده استفاده شده<sup>۲۶</sup>، جایگاه برجسته آن در منشور ملل متحد خود به نوعی مؤید این مطلب است.

به هر حال مبنای انحلال در دولت‌ها به هیچ‌وجه با مبنای آن در سازمان‌های بین‌المللی انطباق ندارد زیرا آنچه که در خصوص مبنای انحلال سازمان‌های بین‌المللی اهمیت دارد اختلافی هست که در مبنا بودن اراده سازمان یا اراده دولت‌ها وجود دارد و اراده ملت‌ها واجد هیچ جایگاهی در آن نیست.

24. Statehood.

25. James Crawford, *The creation of States in International Law* (Oxford University Press, 2006), iv.

۲۶. علی‌امیدی، «گسترش مفهومی حق تعیین سرنوشت: از استقلال ملل تحت سلطه تا حق دموکراسی برای

همه»، *فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی* ۳۸ (۱۳۸۷)، ۵.



## ۲- انحلال سازمان‌های بین‌المللی و به چالش کشیده شدن اراده و شخصیت حقوقی آنها

مسئله‌ای که در ارتباط با انحلال سازمان‌های بین‌المللی قبل از هر چیز جلب توجه می‌کند مربوط به مبنای انحلال سازمان‌های بین‌المللی است. آیا انحلال یک سازمان بین‌المللی حاصل اراده آن سازمان است. یا اینکه سازمان‌های بین‌المللی فقط در نتیجه اراده اعضای آن یعنی دولت‌ها است که امکان انحلال می‌یابند؟ با پاسخ به این پرسش‌ها است که رابطه پرتنش بین سازمان‌ها و اعضای آن یعنی دولت‌ها ظاهر می‌گردد. این رابطه گاهی آنچنان به نفع دولت‌ها تفسیر شده که جز یک ابزار به سازمان‌های بین‌المللی نگریسته نشده است به طوری که شخصیت سازمان‌های بین‌المللی را موکول به انحلال آن‌ها به اراده خودشان کرده‌اند و گاهی نیز به سازمان آنچنان شخصیتی قائل شده‌اند که باعث نادیده گرفته شدن ماهیت سازمان‌های بین‌المللی و نقش دولت‌ها در آنها شده است.

### ۲-۱- شخصیت سازمان‌های بین‌المللی در گرو انحلال آنها به اراده خودشان

شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی و داشتن موجودیت مستقل از اعضاء علی‌رغم بحث‌های فراوان صورت گرفته در حول آن در میان برخی از مؤلفین به تردید نگریسته می‌شود. بعضی از نویسندگان با این استدلال که فقط دولت‌ها توان ظاهر شدن در برابر دیوان بین‌المللی دادگستری را دارند به آنها شخصیت حقوقی قائل شده و شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی را به سکوت برگزار کرده‌اند.<sup>۲۷</sup> در برخی موارد نیز سازمان‌های بین‌المللی به مثابه پوسته خالی انگاشته شده است.<sup>۲۸</sup> به ویژه تصور اینکه سازمان‌های بین‌المللی نهاد‌های مستقل<sup>۲۹</sup> می‌باشند، در موردی که مسئله انحلال سازمان‌ها مطرح است باعث شگفتی شده است. در این باره گفته شده است؛ که اگر سازمان‌های بین‌المللی واقعاً و کاملاً مستقل بودند، قادر بر انحلال خود می‌بودند.<sup>۳۰</sup> در واقع به نوعی توانایی و یا عدم توانایی سازمان‌های بین‌المللی بر منحل ساختن خویش، معیاری برای استقلال و به تبع شخصیت

27. J. Samuel Barkin, *International organization: Theories and Institutions* (New York: PALGRAVE MACMILLAN US, 2006), 63.

28. Sungjoon Cho, "Toward an Identity Theory of International Organizations," *Northwestern Journal of International Law & Business* 46 (2007): 2, Last modified December 10, 2013, doi: 10.2139/ssrn.968433.

29. Autonomous Entities

30. Jean, D'Aspremont, "The Multifaceted concept of the Autonomy of International Organizations and International legal discourse," in *International Organizations and the idea of Autonomy*, ed. R. Collins and N.D. White (London: Routledge, 2011), 66.

حقوقی آنها شده است. ولی در مورد شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی باید با گروهی هم‌داستان شد، که اگرچه نه در حین ایجاد سازمان ولی برای دوره‌های بعد آن شخصیت حقوقی سازمان را مستقر می‌داند و شخصیت حقوقی را برای سازمان یک تخصیص خارجی<sup>۳۱</sup> بیان داشته‌اند که به سازمان به این جهت که یک کنشگر مربوط به آینده است، نسبت داده می‌شود.<sup>۳۲</sup> دیوان بین‌المللی دادگستری هم در قضیه جبران خسارات وارده به کارکنان سازمان ملل متحد موسوم به قضیه کنت فولک برنادوت بود که برای اولین بار در موقعیتی قرار می‌گرفت که به مسئله اهلیت و شخصیت یک سازمان بین‌المللی می‌بایست رسیدگی می‌کرد.<sup>۳۳</sup>

دیوان در این رابطه اظهار می‌دارد که منشور به سازمان، حقوق و تعهداتی متفاوت از اعضای آن اعطاء کرده است. دیوان همچنین بر وظایف مهم سیاسی سازمان، یعنی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تأکید می‌ورزد. بر این اساس، دیوان نتیجه می‌گیرد که سازمان دارای حقوق و تعهدات و در عین حال تا حد زیادی دارای شخصیت بین‌المللی و اهلیت انجام وظیفه در سطح بین‌المللی است، هرچند قطعاً ابرکشور نمی‌باشد.<sup>۳۴</sup>

رویکرد دیگری نیز وجود دارد که اگرچه نسبت به آنچه که در فوق گفته شد تعدیل‌یافته‌تر است، با این حال طبق آن علی‌رغم اینکه سازمان بین‌المللی می‌تواند موجودیتی مجزا داشته باشد ولی در این خصوص نمی‌تواند آنقدر پیش رود که بتواند در مورد سرنوشت خود نیز تصمیم‌گیری نماید. در این رویکرد مجوز انحلال یک سازمان به وسیله معاهده متعاقبی صادر می‌شود که همه اعضای در آن حضور داشته و به اتفاق آراء منعقد سازند.<sup>۳۵</sup> این رویکرد، اگرچه از لحاظ چارچوب حقوقی مفروض در آن یعنی منعقد ساختن معاهده‌ای به اتفاق آراء همه اعضای آن، ممکن و صحیح است با این حال رویکردی همه‌جانبه نبوده و تنها بر بُعدی از مبنای انحلال توجه داشته است. آنچه که در این رویکرد بیشتر برجسته شده توجهی است که

31. External Attribution.

32. Catherine Brolman, *The Institutional Veil in Public international law international Organizations and the law of treaties* (Oxford: HART PUBLISHING, 2007), 19.

33. Cedric Ryngaert and Holly Buchanan, "Member State Responsibility for the Acts of International Organization," *Utrecht Law Review* 7 (2011): 134.

۳۴. محمدرضا ضیایی بیگدلی و همکاران، مترجم، مجموعه آراء و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری

(تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۷)، ج ۱، ۱۷.

35. Jan Klabbbers, *An Introduction to International Institutional law* (Cambridge University Press, 2002), 322-323.

به ریشه معاهده‌ای سازمان‌های بین‌المللی شده است. بر این اساس اراده‌ای که در انحلال شرط است، اراده دولت‌های عضو است.

## ۲-۲- توانمندی سازمان‌ها بر انحلال خود

بر طبق این رویکرد سازمان‌های بین‌المللی بدون توجه به اینکه در اساسنامه آنها اشاره‌ای به انحلالشان شده باشد یا نه دارای اختیار ذاتی<sup>۳۶</sup> برای انحلال و پایان بخشیدن به حیات خود هستند. طبق این نظر فرایند انحلال مطابق با روش‌های اتخاذ تصمیم در درون سازمان‌های بین‌المللی است و در صورت وجود چندین روش تصمیم‌گیری باید بر طبق روشی انجام پذیرد که برای تصمیم‌گیری‌های مهم در نظر گرفته شده‌اند.<sup>۳۷</sup>

این رویکرد اگرچه مطابق با استقلال، موجودیت و شخصیت حقوقی مجزای سازمان‌های بین‌المللی از اعضایشان است با این حال از ضعف‌هایی برخوردار است که از لحاظ عملی ممکن است سازمان‌های بین‌المللی را با مشکل مواجه سازد. به ویژه از این جهت مورد انتقاد است که در آن ماهیت سازمان‌های بین‌المللی آنگونه که شایسته است مورد توجه قرار ننگرفته است و به دولت‌ها که مؤسسين سازمان‌های بین‌المللی هستند اعتنایی نشده و صرفاً بر استقلال و اراده مستقل سازمان‌ها است که تمرکز شده است.

هر دو رویکرد مذکور اگرچه با حقیقت همراه هستند ولی هیچ‌کدام به صورتی که مطرح شدند قانع‌کننده نیستند. بر این اساس مهم می‌نماید برای پی بردن به مبنای انحلال سازمان‌های بین‌المللی درنگی بر ماهیت آنها داشته باشیم.

## ۲-۳- درنگی بر ماهیت سازمان‌های بین‌المللی جهت روشن شدن مبنای انحلال

هدف از بررسی ماهیت سازمان‌های بین‌المللی در این بند، ارائه تعریف از سازمان‌های بین‌المللی نمی‌باشد. بلکه هدف روشن ساختن ماهیت سازمان‌هاست تا با توجه به مواردی که در مبحث بعدی مورد توجه قرار خواهد گرفت، بتوانیم بیان کنیم که چه مواقعی سازمان‌های بین‌المللی در انحلال خود ناگزیر از رضایت دولت‌های عضو خود می‌باشند و در چه مواقعی خود قادر بر انحلالشان هستند.

36. Inherent power.

37. H. G. Schermers, *De gespecialiseerde organisaties: Hun bouw en inrichting* (Leiden, 1957), 70, Cited in Klabbers, op.cit, 321.

سازمان‌های بین‌المللی در زمان و در محیطی بین‌المللی به وجود می‌آیند، به حیات خود ادامه می‌دهند و در نهایت ممکن است منحل می‌شوند. عامل محیط در بررسی هویت سازمان‌های بین‌المللی نیز یک پارامتر بسیار مهم در نظر گرفته می‌شود، اگر سازمان‌های بین‌المللی را به عنوان نظامی بسته<sup>۳۸</sup> در نظر بگیریم که صرفاً ابزاری برای دولت‌ها باشند، محیط خیلی بر آنها تأثیر نخواهد داشت چرا که در این شرایط از آنها فقط انتظار می‌رود که موارد دیکته‌شده از جانب دولت‌ها را انجام دهند و صرفاً نتایج از قبل پیش‌بینی‌شده را تولید کنند.<sup>۳۹</sup>

رابطه بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی از همان آغاز به کار سازمان‌های بین‌المللی همواره از روابط پرتنش به حساب آمده است. چرا که از یکسو سازمان‌ها مستقل از اعضاء بوده و از سوی دیگر اساساً وابسته به آنها می‌باشند<sup>۴۰</sup> و به وسیله آنها و توسط معاهده به وجود آمده‌اند. لذا اهم عوامل دخیل در ماهیت سازمان‌های بین‌المللی داشتن مبنای معاهده‌ای و عضویت دولت‌ها در آنها و در نهایت استقلال و شخصیت حقوقی آنها است و سازمان‌های بین‌المللی را برای هرگونه نتیجه‌گیری حقوقی از آنها باید با این ویژگی‌ها در نظر گرفت. بر این اساس سازمان‌های بین‌المللی علی‌رغم استقلال و موجودیت مجزایشان از دولت‌ها، جدا از آنها قابل تصور نیستند و در بافت خود، هم از لحاظ ایجاد و هم از لحاظ تداوم و انحلال‌شان جدا از دولت‌ها به حساب نمی‌آیند. لذا صرف اتکاء به هر کدام از رویکردهای فوق که تنها به بعضی از این ویژگی‌ها اتکاء دارند، قانع‌کننده نیست بلکه سازمان‌های بین‌المللی را باید در کلیت آنها تصور کرد و در آن نه از مبنای انحلال بلکه از مبنای انحلال سخن گفت. در گفتار بعد مبنای انحلال سازمان‌های بین‌المللی با توجه به شیوه‌های مختلف وقوع انحلال مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### ۳- مبنای انحلال سازمان‌های بین‌المللی

با توجه به آنچه که در فوق در خصوص رویکردهای ارائه‌شده در مورد مبنای انحلال سازمان‌های بین‌المللی گفته شد، به این نتیجه رسیدیم که مبنای واقعی انحلال سازمان‌های بین‌المللی را باید با توجه به ماهیت واقعی سازمان‌های بین‌المللی بجوییم و صرف قائل شدن از یکسو به شخصیت مجزا و مستقل سازمان‌ها و از سوی دیگر به مبنای معاهده‌ای

38. Closed System.

39. Cho, op. cit., 10.

40. Klabbers, op. cit., 36.

شکل‌گیری آنها برای این منظور چندان مفید فایده نخواهد بود و ما را به آن جامعیت مورد نظر در خصوص موضوع نایل نخواهد ساخت. بر این اساس تقسیم‌بندی دیگری ارائه می‌شود تا مبانی انحلال سازمان‌ها را واضح‌تر سازد.

### ۳-۱- انحلال درون‌سازمانی سازمان‌های بین‌المللی

آنچه که به وسیله انحلال درون‌سازمانی مدنظر است به همه آندسته از شیوه‌های انحلال سازمان‌های بین‌المللی اشاره دارد که در درون نظام حقوقی یک سازمان بین‌المللی از سند مؤسس آن گرفته تا تصمیمات هسته تصمیم‌گیرنده سازمان‌های بین‌المللی برای انحلال را در برمی‌گیرد. در این قسمت شیوه‌هایی از انحلال سازمان‌های بین‌المللی بررسی خواهد شد که حکایت از مبنا بودن اراده سازمان‌های بین‌المللی در انحلال خود دارند. نکته‌ای که اشاره به آن لازم می‌نماید این است که ابراز اراده سازمان‌های بین‌المللی برای انحلال به هیچ‌وجه نافی توانایی و اراده دولت‌ها در این خصوص نیست.

#### ۳-۱-۱- مقررات مندرج در اساسنامه

اسناد مؤسس سازمان‌های بین‌المللی دارای اهمیت بسیاری هستند. از حیث حقوقی، سازمان موجودیتش را از سند مؤسس می‌گیرد، اما سازمان خود طرف سند مؤسس نمی‌باشد، با وجود این، کلیه ارکان چنین سازمانی باید مقررات معاهده مؤسس را رعایت کنند (بیگدلی، ۱۳۸۳، ص. ۱۴۷).<sup>۴۱</sup>

علی‌رغم اینکه اساسنامه اغلب سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و اکثریت آژانس‌های تخصصی سازمان ملل متحد، احتمالاً به این دلیل که قصد تداوم به طور نامحدود را داشته‌اند فاقد مقرراتی راجع به انحلال هستند، با این حال نهادهای مالی از جمله آن دسته از نهادهایی که تخصصی سازمان ملل متحد هستند همگی بدون استثناء دارای چنین مقرراتی می‌باشند.<sup>۴۲</sup>

تصریح به انحلال یک سازمان در اساسنامه آن سازمان معمولاً به سه شیوه انجام می‌پذیرد، یا به صورت تعیین مدت برای سازمان و یا تعیین کیفیت اتخاذ تصمیم برای انحلال سازمان و یا اینکه انحلال سازمان را موقوف به حدوث برخی شرایط می‌سازند.

۴۱. ضیایی بیگدلی، *حقوق معاهدات بین‌المللی*، پیشین، ۱۴۷.

42. C. F. Amerasinghe, *Principles of the Institutional Law of International Organizations* (Cambridge University Press, 2005), 446.

## ۳-۱-۱- تعیین مدت برای سازمان

سازمان‌هایی که اسناد تأسیسی آنها حاوی قید مدت برای آنها هستند معمولاً در نظر مؤسسان، برای مدت محدودی ایجاد می‌شوند با این حال دولت‌های عضو سازمان می‌توانند این مدت را افزایش داده یا به طور کل شرط مدت را از اسناد حذف نمایند. زیرا اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی به مثابه سازه‌هایی انعطاف‌پذیر می‌باشند که با گذر زمان تحت شرایط خاص امکان تغییر می‌یابند.<sup>۴۳</sup>

بارزترین نمونه از سازمان‌های بین‌المللی که برای زمان محدودی ایجاد شده بود، جامعه اروپایی زغال‌سنگ و فولاد است. این سازمان به وسیله چند دولت در سال ۱۹۵۱ به واسطه معاهده پاریس تأسیس شد.<sup>۴۴</sup> سند مؤسس این سازمان حاوی قید مدت پنجاه‌ساله‌ای برای فعالیت‌های آن بود که نهایتاً به تاریخ ۲۳ جولای ۲۰۰۲ به انحلال و خاتمه حیات این سازمان انجامید. آنچه که در انحلال این سازمان جلب توجه می‌کند، به انحلال آن توسط مقرر موجود در اساسنامه‌اش معطوف است. اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی همان‌طور که مورد اشاره قرار گرفته است، اگرچه از یکسو معاهده مؤسس سازمان است ولی از سوی دیگر مهم‌ترین قانون داخلی سازمان نیز محسوب می‌شود. دلیل این مدعا نیز این است که در کل ماهیت حقوقی اسناد سازمان‌های بین‌المللی و شیوه‌ای که اسناد حقوقی سازمان‌های بین‌المللی ایجاد می‌شوند، در اصل بر مبنای اساسنامه سازمان است که طرح‌ریزی می‌شوند.<sup>۴۵</sup> از دیگر سازمان‌های بین‌المللی هم که در اساسنامه آنها به مدت زمان حیات آنها تصریح شده است سازمان‌های موسوم به تولید و توزیع کالا<sup>۴۶</sup> می‌باشند که برای زمان موقتی ایجاد می‌شوند از جمله این سازمان‌ها می‌توان به موافقتنامه کائوچوی طبیعی<sup>۴۷</sup>، موافقتنامه بین‌المللی راجع به الیاف و محصولات الیافی<sup>۴۸</sup> و موافقتنامه بین‌المللی قلع اشاره کرد. در ماده ۵۹ موافقتنامه اخیرالذکر تحت عنوان مدت، تمدید و اختتام، علاوه بر اینکه به مدت سازمان که پنج‌ساله در نظر گرفته شده است تصریح شده بلکه مقررات جامعی هم در خصوص نحوه تمدید و حتی اختتام زودتر از موعد مقرر شده است.

43. Julian Arato, "Treaty Interpretation and Constitutional Transformation: Informal Change in International Organizations," (August 5, 2012). *Yale Journal of International Law* 38 (2013): 1, SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2142083>.

44. Benedetta Ubetazzi, "The End of the ECSC," *European Integration online Papers (EIoP)* 8 (2004): 2, <http://eiop.or.at/eiop/texte/2004-020a.html>.

45. Klabbers, op.cit., 178.

46. Commodity Organizations.

47. Natural Rubber Agreement 1987.

48. International Agreement on Jute and Jute Products 1989.

## ۳-۱-۲- تعیین کیفیت اتخاذ تصمیم برای انحلال سازمان

علی‌رغم اینکه اساسنامه اکثر سازمان‌های بین‌المللی حاوی مقرراتی راجع به انحلال نیستند، با این حال پیش‌بینی این مقررات با همه تردیدهایی که برای تناسب آن با اوضاع و احوال خاص روز انحلال وجود دارد، همواره به عنوان شیوه‌ای مناسب برای حل مشکلات عملی مورد توصیه واقع شده است.<sup>۴۹</sup> برای نمونه می‌توان به کنوانسیون ۱۹۹۷ بازمینی یورو کنترل<sup>۵۰</sup> اشاره کرد که در بند ۵ ماده ۳۸ خود اینگونه مقرر داشته است که در صورت انحلال سازمان، شخصیت حقوقی و اهلیت آن برای پایان دادن به تصفیه سازمان ادامه خواهد یافت. چنین مقرره‌ای از لحاظ عملی واجد اهمیت می‌باشد زیرا بدینوسیله صرفاً شخصیت حقوقی سازمان است که دوره‌ای را بعد از حیات سازمان برای رسیدگی به پاره‌ای از امور مشخص سازمان منحل شده در اختیار می‌گیرد.<sup>۵۱</sup>

شیوه‌های انحلال نه تنها در اساسنامه اکثر سازمان‌های بین‌المللی پیش‌بینی نشده بلکه از تعدد بسیار زیادی هم برخوردار نیستند. مهم‌ترین شیوه تصمیم‌گیری که در اساسنامه برخی از سازمان‌های بین‌المللی در مورد انحلال گنجانده شده شیوه تصمیم‌گیری به وسیله تصمیم اکثریت اعضای مجمع عمومی است.

نکته‌ای که در خصوص این شیوه انحلال باید به آن توجه داشت اینکه بیشتر، سازمان‌های مالی<sup>۵۲</sup> هستند که چنین مقرره‌ای را به دلیل احتراز از مشکلات مربوط به تصفیه مالی سازمان در اساسنامه خود گنجانده‌اند.<sup>۵۳</sup> نمونه‌هایی از این نوع سازمان‌های بین‌المللی که این شیوه در اساسنامه آنها گنجانده شده است می‌توان به بانک بین‌المللی بازرسی و توسعه اشاره داشت. در موافقتنامه این بانک در بند (ب) بخش پنجم ماده ۶ چنین مقرر شده است که با تصمیم اکثریت اعضای هیئت مدیره سازمان به طور دائم تعلیق خواهد شد و متعاقباً همه فعالیت‌های آن نیز متوقف خواهد گشت.<sup>۵۴</sup> از دیگر سازمان‌های بین‌المللی که از این شیوه انحلال در موافقتنامه‌های آنها استفاده شده است می‌توان به صندوق بین‌المللی پول<sup>۵۵</sup>،

49. Henry G. Schermers and Niels M. Blokker, *International Institutional Law Unity within diversity* (Boston/ Leiden: Martinus Nijhoff publishers, 2003), 1038.

50. The 1997 Eurocontrol Revised Convention.

51. Schermers and Blokker, op. cit., 1038.

52. Financial Organizations.

53. C. F. Amerasinghe, op. cit., 466; Schermers and Blokker, Op. cit., 1038.

54. Klabbbers, op.cit., 321.

55. International Monetary Fund (IMF); See, IMF agreement, Article XXVII.

شرکت مالی بین‌المللی<sup>۵۶</sup>، انجمن توسعه بین‌الملل<sup>۵۷</sup>، آژانس ضمانت بیمه‌ای چندجانبه<sup>۵۸</sup> و بانک‌های توسعه منطقه‌ای<sup>۵۹</sup> اشاره کرد.

۳-۱-۱-۳- پیش‌بینی شرایطی که انحلال سازمان موکول به حدوث آنها می‌شود طبیعی است که تحت چنین عنوان کلی‌ای که مبتنی بر اراده دولت‌های مؤسس سازمان‌های بین‌المللی است، حدوث شرایط زیادی را می‌توان پیش‌شرط وقوع انحلال آنها در نظر گرفت، ولی مؤسسين سازمان‌های بین‌المللی با توجه به اهدافی که از تأسیس آنها دنبال می‌کنند، به آسانی حاضر نخواهند شد وقوع هر شرطی را مبنای انحلال موجودیتی سازند که در صدد تأسیس آن هستند. با این حال با در نظر گرفتن شرایطی که امکان دارد با وقوع آنها تداوم فعالیت‌های سازمان بین‌المللی با مشکل مواجه شود و موکول ساختن انحلال سازمان به آن شرایط، می‌توان از مشکلاتی که امکان بروز آنها در زمان انحلال می‌رود، کاست. برخی از شرایطی که در اساسنامه بعضی از سازمان‌های بین‌المللی برای وقوع انحلال آنها در نظر گرفته شده است، موکول کردن انحلال سازمان است به تقلیل اعضای آن به تعداد معینی و یا موکول کردن انحلال سازمان به افزایش سهمیه مالی اعضاء به میزان معینی می‌باشد.

۳-۱-۱-۳-۱- موکول کردن انحلال سازمان به تقلیل اعضای آن به تعداد معینی از جمله خصوصیتی که برای سازمان‌های بین‌المللی برمی‌شمارند، خصوصیت آزادی مشارکت و همکاری کشورها در سازمان‌های بین‌المللی است و یکی از جلوه‌های این خصوصیت، آزادی خروج از سازمان می‌باشد، کشورها همان‌طور که می‌توانند عضویت سازمانی بین‌المللی را بپذیرند، همان‌طور هم در خروج از آن سازمان، دارای آزادی و استقلال هستند.<sup>۶۰</sup> بنابر اصل مذکور است که در اساسنامه برخی از سازمان‌های بین‌المللی مقرر شده است که اگر تعداد اعضای سازمان به کمتر از پنج یا سه عضو تقلیل یابد، آن سازمان منحل خواهد گشت.<sup>۶۱</sup> در این خصوص بند ۱ ماده ۲۵ معاهده مؤسس آژانس فضایی اروپایی<sup>۶۲</sup> چنین تصریح دارد که آژانس با کاهش تعداد اعضای آن به کمتر از پنج عضو منحل خواهد شد.

56. International Finance Corporation (IFC).

57. International Development Association (IDA).

58. Multilateral Insurance Guarantee Agency (MIGA).

59. Regional development banks.

۶۰. ضیایی بیگدلی، حقوق معاهدات بین‌المللی، پیشین، ۲۵۱.

61. Schermers and Blokker, Op. cit., 1038.

62. European Space Agency.



ماده ۱۴ موافقتنامه مؤسس آزمایشگاه زیست‌شناسی مولکولی اروپایی<sup>۶۳</sup> هم اینگونه بیان داشته است که در صورت تقلیل اعضاء به کمتر از سه عضو آزمایشگاه منحل خواهد شد مشروط به اینکه موافقتنامه‌ای در بین اعضاء در زمان انحلال منعقد شود.

۳-۱-۱-۲-۳-۲- موکول کردن انحلال سازمان به افزایش سهمیه مالی اعضاء به میزان معینی

شیوه دیگری که بی‌شبهت به روش مذکور در فوق نیست، این است که انحلال سازمان را موکول به کناره‌گیری آن تعداد از اعضاء می‌کنند که با این عمل آنان سهمیه مالی اعضاء باقیمانده به میزان مشخصی افزایش پیدا می‌کند<sup>۶۴</sup>. مرکز اروپایی برای پیش‌بینی آب و هوای دامنه متوسط<sup>۶۵</sup> بر طبق ماده ۲۱<sup>۶۶</sup> خود مقرر داشته است که در صورتی که در نتیجه کناره‌گیری یک یا چند عضو کنوانسیون، سهمیه مالی باقی اعضاء به مقدار یک‌پنجم سهمیه اولیه افزایش یابد، مرکز منحل خواهد شد.

از منظر حقوق معاهدات بین‌المللی، شیوه‌هایی از انحلال که در این قسمت به آنها پرداختیم بیشتر به شرط فاسخی (که آن را شرط انتقای معاهده یا قید احتمالات در معاهده نیز می‌نامند) می‌ماند که در عهدنامه‌های بین‌المللی درج می‌شود. و آن شرطی است که خاتمه تعهد را به وقوع امری محتمل در آینده منوط می‌سازد<sup>۶۷</sup>.

شیوه‌های به کار گرفته‌شده توسط سازمان‌های بین‌المللی طبیعتاً نمی‌تواند منحصر به موارد مذکور در فوق باقی بماند، با این حال آنچه که ذکر گردید شیوه‌های متداولی است که در اساسنامه‌های برخی از سازمان‌های بین‌المللی دیده می‌شود.

بر اساس آنچه که گفته شد ممکن است این سؤال طرح شود که آیا غیر از آنچه که در اساسنامه یک سازمان بین‌المللی به عنوان شیوه انحلال در نظر گرفته شده است؛ سازمان بین‌المللی مذکور می‌تواند به شیوه‌ای مغایر تصمیم به منحل کردن خود بگیرد؟

63. European Molecular Biology Laboratory.

64. Schermers and Blokker, Op. cit., 1039.

65. European Centre for Medium Range Weather Forecasts.

66. Article 21. 1. Unless the Council acting in accordance with Article 6 (2) (e) decides otherwise, the Centre shall be dissolved if denunciation of this Convention by one or more Member State results in the levels of contributions of the other Member States being increased by one-fifth over their initial levels, . . .

۶۷ ضیایی بیگدلی، حقوق معاهدات بین‌المللی، پیشین، ۲۴۸. همچنین رک: هدایت‌الله فلسفی، حقوق بین‌الملل

معاهدات (تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۳)، ۵۵۸.

روشی که در این شرایط مناسب به نظر می‌رسد اصلاح<sup>۶۸</sup> اساسنامه سازمان بین‌المللی است. اصلاح اساسنامه عملی است ذاتاً آگاهانه که باعث ایجاد تغییرات روشنی در اساسنامه می‌گردد.<sup>۶۹</sup> البته باید به خاطر داشت که اساسنامه برخی از سازمان‌های بین‌المللی اصلاح آن را منوط به شرایط خاصی می‌گردانند و در این وضعیت نیز شرایط مذکور باید رعایت شود.<sup>۷۰</sup> با اصلاح اساسنامه راه‌های انحلال جدیدی را می‌توان در نظر گرفت که با شرایط جدید سازمان‌ها انطباق بیشتری داشته باشد<sup>۷۱</sup> البته اصلاح اساسنامه نه تنها برای تغییر مقررات راجع به نحوه تصمیم‌گیری در مورد انحلال سازمان‌های بین‌المللی قابلیت اعمال دارد بلکه در هر یک از شیوه‌های انحلال درون‌سازمانی که ریشه در اساسنامه سازمان دارند نیز ممکن است.

### ۳-۱-۲- شیوه درون‌سازمانی انحلال در مواردی که اساسنامه حاوی مقررات انحلال نیست

معمولاً در اساسنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی مقررات انحلال قید نشده‌اند و در شرایط استثنایی، این بخش از حیات آنها مورد توجه قرار گرفته است، به همین جهت در این قسمت از بحث که به بررسی مبنای سازمانی انحلال می‌پردازد، به تنها شیوه درون‌سازمانی انحلال یعنی تصمیمات مجامع مشورتی سازمان‌های بین‌المللی پرداخته می‌شود که مورد اعمال آن هنگامی است که اساسنامه سازمان حاوی مقررات انحلال نمی‌باشد. اساسنامه سازمان طبق این شیوه برعکس شیوه‌های فوق‌الذکر نقش متممی ندارد بلکه از مقررات آن در مورد نحوه تصمیم‌گیری‌ها تنها می‌توان به عنوان رهنمودهای کلی برای اتخاذ تصمیم در مورد انحلال سازمان استفاده کرد و در تصمیمات اتخاذی صرفاً می‌تواند اثر توجیه‌کنندگی داشته باشند، زیرا مهم‌ترین قواعد مربوط به نظم حقوقی داخلی سازمان‌های بین‌المللی در اسناد مؤسس آن سازمان‌ها پیش‌بینی می‌شوند.<sup>۷۲</sup>

در این خصوص ممکن است گفته شود که در نهایت این دولت‌ها هستند که تصمیمات مجامع مشورتی سازمان‌ها را می‌گیرند و سخن از مبنای درون‌سازمانی انحلال بی‌فایده است.

68. Amendment.

69. Arato, op.cit., 20.

۷۰. به عنوان مثال ماده ۱۰۹ منشور سازمان ملل متحد شرایط ویژه‌ای را برای تجدیدنظر در آن مقرر نموده است.

71. Arato, op.cit., 20.

۷۲. بیگزاده، پیشین، ۱۷۳.

در پاسخ باید گفت که تصمیمات سازمان‌های بین‌المللی بر دولت‌های عضو و نمایندگان آنان در ارکان مشورتی سازمان‌های مذکور دارای اقتدار<sup>۷۳</sup> هستند، البته ناگفته نماند این اقتدار در صورتی اجراء می‌شود که مقررات محدودکننده‌ای در مورد آنها وجود نداشته باشد<sup>۷۴</sup>.

در کل، هنگامی که نمایندگان دولت‌ها، در مقام اعضای هیئت نمایندگی در یکی از ارگان‌های سازمان اراده و خواست کشورشان را اعلام می‌دارند، به منزله آن است که در مقام اعضای تشکیل‌دهنده این نهاد عمل کرده‌اند<sup>۷۵</sup>. اعمال آنها تنها در داخل سازمان و تا حدودی که ملزم به ابراز عقاید دولت‌های خود هستند منسوب به دولت‌های متبوعه‌شان می‌باشد و نمود خارجی تصمیمات سازمان حاکی از اعمال و تصمیمات یکپارچه‌ای می‌باشد که صرفاً منسوب به سازمان است<sup>۷۶</sup>. لذا نباید چنین پنداشت که تصمیماتی که نمایندگان دولت‌ها در ارکان مشورتی سازمان‌ها می‌گیرند مثل عملکرد آنان در کنفرانس‌های مربوط به پذیرش معاهدات است.

همان‌طور که پیش از این نیز بیان گردید درج نحوه تصمیم‌گیری در مورد انحلال سازمان‌های بین‌المللی در اساسنامه آنها در موارد نادری اتفاق افتاده است. لذا مسئله اصلی در موضوع انحلال زمانی بروز پیدا می‌کند که هیچ مقرره‌ای در اساسنامه سازمان به این موضوع نپرداخته باشد. در چنین مواردی که اختیارات پیش‌بینی شده برای ارکان سازمان برای وضع مقررات در اسناد مؤسس کافی نباشد و ارکان مختلف سازمان نیاز به اختیارات بیشتری داشته باشند، به نظر می‌رسد که چنین اختیاراتی را می‌توان بر اساس «تئوری اختیارات ضمنی»<sup>۷۷</sup> برای آنها قائل شد<sup>۷۸</sup>.

73. Jurisdiction.

74. Finn Seyersted, *Common law of international organizations* (Leiden, Boston: Martinus Nijhoff, 2008).

۷۵. آیگنانتاس زایدل هوهن فلدرن، *حقوق بین‌الملل اقتصادی*، ترجمه و تحقیق سید قاسم زمانی (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۵)، ۷۷.

۷۶. این امر به ویژه در مورد شورای بین‌المللی قلع قابل مشاهده است، چرا که دولت‌های عضو آن نه تنها از انجام اقدامات به موقع برای نجات آن خودداری کرده بودند بلکه هر نوع مسؤلیتی را که در ارتباط با آن مطرح بود را هم منکر بوده و عهده‌دار نمی‌شدند و محاکم نیز مؤید و پشتیبان این ادعای آنان بوده‌اند. نک:

Ian A. Mallory, "Conduct Unbecoming: The Collapse of International Tin Agreement," *American University International Law Review* 5 (1990): 836.

77. La Théorie des pouvoirs implicites.

۷۸. بیگزاده، پیشین، ۱۷۴.

در این خصوص سوالاتی را می‌توان مطرح کرد از جمله اینکه: اولاً در این شرایط چه رکنی باید به اتخاذ تصمیم در مورد انحلال بپردازد. ثانیاً اتخاذ تصمیم در این مورد باید از چه کیفیتی برخوردار باشد (یعنی نحوه تصمیم‌گیری).

### ۳-۱-۲-۱- رکن صلاحیت‌دار برای تصمیم‌گیری

یکی از منابع نظم حقوقی داخلی سازمان‌های بین‌المللی تصمیمات و قطعنامه‌های مصوب ارکان مختلف آنها می‌باشد.<sup>۷۹</sup> در این خصوص گفته شده است که این یک اصل کلی حقوق سازمان‌های بین‌المللی می‌باشد که تحت چنین شرایطی که اساسنامه سازمان در مورد انحلال آن ساکت است تصمیم‌گیری به وسیله مجامع عمومی انجام پذیرد.<sup>۸۰</sup> و این ادعا با توجه به اشاراتی که به آن در رویه سازمان‌های بین‌المللی شده است و نیز با توجه به اینکه مجامع عمومی از ارکان اصلی تصمیم‌گیری سازمان‌های بین‌المللی هستند، صحیح به نظر می‌رسد.<sup>۸۱</sup>

### ۳-۲-۱-۲- نحوه تصمیم‌گیری

سازمان‌های بین‌المللی هنگام تصمیم‌گیری در مورد موضوعات مختلف به منظور اجرایی نمودن آنها باید رضایت اعضای خود را جلب نمایند. اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند نحوه تصمیم‌گیری ارکان مختلف آن را در ضمن خود تعیین نموده باشد.

گفته شده است در مواردی که اساسنامه حاوی مقرره‌ای در خصوص انحلال نیست اتخاذ این تصمیم به ویژه در صورتی که هدف اندراج مقرر انحلال به واسطه اصلاح است باید به وسیله اکثریتی از اعضاء که برای تصمیمات مهم لازم است انجام پذیرد چرا که بدیهی است تصمیم بر انحلال یک سازمان از سرنوشت‌سازترین تصمیمات آن است.<sup>۸۲</sup>

علی‌رغم مناسب بودن این اصل کلی که تصمیم‌گیری باید به وسیله مجمع عمومی یا بالاترین رکن تصمیم‌گیرنده انجام گیرد، باید متوجه رویه موجود در بین برخی سازمان‌های بین‌المللی از قبیل جامعه ملل، اداره امداد و بازسازی سازمان ملل متحد، سازمان بین‌المللی

۷۹. همان، ۱۷۵.

80. Amerasinghe, op. cit., 468.

۸۱. برای نمونه به رویه اتخاذی توسط جامعه ملل و اداره امداد و بازسازی سازمان ملل متحد (UNRRA) و سازمان بین‌المللی پناهندگان (IRO) و کمیسیون بین‌المللی حمل و نقل هوایی (ICAN) اشاره شده است که همه آنها با تصمیم گرفته‌شده از جانب مجامع عمومی‌شان منحل شده‌اند.

82. Schermers and Blokker, Op. cit., 1046.

پناهندگان و کمیسیون بین‌المللی حمل و نقل هوایی هم بود که چنان جلوه‌گر شده است که گویی رضایت تمام اعضاء برای تصمیم‌گیری ضروری بوده است.<sup>۸۳</sup>

اگرچه اتخاذ تصمیم برای انحلال می‌تواند از مهم‌ترین تصمیمات سازمان تلقی گردد، با این حال نمی‌توان گفت که اتخاذ آن ضرورتاً مستلزم رضایت تمامی اعضاء است چرا که در ردیف تصمیماتی قرار دارد که مجامع عمومی نهایتاً باید در مورد آن تصمیم‌گیری کنند و در صورت نبود مقررهای در مورد آن شاید برای رفع موانع تصمیم‌گیری به روش اتفاق آراء، تصمیم اکثریت در نظر گرفته شده برای اتخاذ تصمیمات مهم مناسب‌تر باشد. این روش همسو با نظر برخی از نویسندگان هم که مخالف اتخاذ تصمیم به وسیله مجامع عمومی هستند سازگارتر است به ویژه اینکه آنان به اهمیت موضوع تصمیم‌گیری اشاره دارند و نیل به آن را به واسطه تصمیم‌گیری‌های ساده مجامع عمومی به صلاح نمی‌دانند.<sup>۸۴</sup> البته باید در نظر داشت که تصمیمات مجامع عمومی در مورد انحلال در صورتی دارای چنین اثر قطعی‌ای می‌توانند باشند که بالاترین رکن تصمیم‌گیرنده در سازمان باشند، چرا که در صورت وجود ارکان همعرض دیگر، تصمیمات مجمع عمومی نمی‌تواند برای ارکان مزبور، الزام‌آور باشد.

### ۳-۲- انحلال سازمان به علت عوامل خارجی

بحث انحلال خارج از سازمان به هرگونه موارد ممکن می‌پردازد که در آن یک سازمان بین‌المللی در نتیجه اقدامات، وقایع، و اوضاع و احوالی که در خارج از نظام حقوقی و اراده آن به وقوع می‌پیوندد، به مرحله انحلال می‌رسد. در انحلال خارج از سازمان است که مبنای انحلال را می‌بایست در اراده دولت‌های عضو جست.

#### ۳-۲-۱- انحلال به واسطه انعقاد معاهده مؤخر

بحث در مورد انحلال خارج از سازمان بی‌ارتباط با حوزه حقوق معاهدات نیست. آنچه که در آن از نقشی برجسته برخوردار می‌شود به دولت‌های عضو و اختیارات اعطاء شده به آنان از طرف حقوق بین‌الملل مربوط است و از این جهت به سازمان‌های بین‌المللی مربوط است که دولت‌های منعقدکننده معاهده همه اعضاء آن هستند (البته می‌توان دولت‌های دیگر را نیز در کنار دولت‌های عضو سازمان فرض نمود که به عضویت معاهده جدید درآیند) و این ابراز

83. Amerasinghe, op. cit., 469.

84. A.-C. Kiss, Quelques aspects de la substitution d'une organisation internationale à une autre, 7 AFDI (1961), 469. Cited in Schermers and Blokker, Op. cit., 1043.

اراده آنها است که بر موجودیت سازمان اثر می‌گذارد و می‌تواند باعث انحلال آن و پایان پذیرفتن شخصیت حقوقی آن شود.

به طور کلی فقدان مقرر صریحی در مورد اختتام، ظاهراً بر این امر دلالت دارد که آن معاهده برای همیشه الزام‌آور است، با این حال بر اساس کنوانسیون ۱۹۶۹ وین، یک معاهده در کنار دیگر شرایط برشمرده شده در کنوانسیون ممکن است با رضایت طرفین آن، نیز خاتمه پذیرد.<sup>۸۵</sup>

### ۳-۲-۲- از دست دادن کارایی<sup>۸۶</sup> سازمان:

این شکل از انحلال در مواردی رخ می‌دهد که یک سازمان بین‌المللی به هر دلیل اعم از سیاسی یا غیرسیاسی کارگزاران خود را از دست داده و نتواند کارکردهای خود را انجام دهد و همچنین در مواقعی که یک سازمان بین‌المللی دیگر با توانایی‌های بهتر بتواند کارکردهای شبیه آن سازمان را انجام دهد ممکن است موجبات عدم کارایی و در نهایت انحلال آن را فراهم سازد.<sup>۸۷</sup>

### ۳-۲-۳- کناره‌گیری<sup>۸۸</sup> اعضای سازمان

سازمان‌های بین‌المللی در دوره‌های مختلف حیات خود ممکن است نتوانند در مسیر اهدافی قرار گیرند که برای آن ایجاد شده بودند. کناره‌گیری از سازمان معمولاً حکایت از این امر دارد که دولت کناره‌گیری‌کننده به انتظاراتش از سازمان نایل نیامده است، و در این شرایط است که کناره‌گیری به عنوان آخرین چاره برای دولت مربوطه در نظر گرفته می‌شود.<sup>۸۹</sup> کناره‌گیری اعضای در کنار اینکه می‌تواند منجر به منحل شدن سازمانی بین‌المللی گردد از روش‌هایی است که دولت عضو می‌تواند به وسیله آن به عضویتش در سازمان نیز خاتمه بخشد.<sup>۹۰</sup> در این شرایط دولت عضو معمولاً بر طبق اساسنامه سازمان ملزم به رعایت مقرراتی می‌گردد که

85. Julia Lisztwan, "Stability of Maritime Boundary Agreements," *The Yale Journal of international law* 37 (2011): 182.

86. Disuse.

87. Schermers and Blokker, Op. cit., 1045; Amerasinghe, op. cit., 469.

88. Withdrawal.

89. Jochen Herbst, "Observations on the Right to Withdraw from the European Union: Who are the "Masters of the Treaties"?", *German Law Journal* 06 (2005):1756.

90. Mohammad Bedjaoui, *International Law: Achievements and Prospects* (Boston/ Leiden: Martinus nijhoff, 1991), 84.

برای دولت‌ها بعد از کناره‌گیری مقرر گشته است.<sup>۹۱</sup> کناره‌گیری اعضاء به عنوان شیوه‌ای برای انحلال به وضعیتی اشاره دارد که در آن تمامی دولت‌های عضو یک سازمان جز یک دولت عضو از آن سازمان کناره‌گیری کنند البته همان‌طور که برخی از نویسندگان نیز اشاره داشته‌اند این شیوه انحلال بیشتر در نظریه‌ها مطرح شده است و به رویه خاصی از سازمان‌های بین‌المللی برای اثبات وقوع چنین وضعیتی استناد نشده است.<sup>۹۲</sup>

### ۳-۲-۴- تغییر بنیادین اوضاع و احوال<sup>۹۳</sup>

هدف از بیان قاعده ربوس در بحث حاضر اگرچه بی‌ارتباط با حقوق معاهدات و تعارض آن با اصل وفای به عهد<sup>۹۴</sup> نیست ولی تمرکز اصلی این بحث بر این قاعده به عنوان شیوه‌ای مرتبط با مبنای انحلال خارج از سازمان می‌باشد،<sup>۹۵</sup> لذا جایگاه آن در بحث حاضر به ترتیبی نیست که در حقوق معاهدات از آن برخوردار است.<sup>۹۶</sup>

اگرچه چنین بیان گردید که در صورت عدم تصریح به زمان انحلال در اساسنامه چنین استنباط می‌توان نمود که آن سازمان یک سازمان دائمی است، ولی باید توجه داشت که سازمان‌های بین‌المللی ابتدائاً در مقام پاسخ به نیازها و مقتضیات زمانی هست که تأسیس گشته‌اند برای نمونه می‌توان به ایجاد سازمان ملل متحد اشاره کرد که بر ویرانه‌های بجا مانده از جنگ دوم جهانی و با تصمیم بر حفظ نسل‌های آینده از بلای جنگ و با هدف حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ایجاد گردید که در آن زمان از دست رفته پنداشته می‌شد.

طبعاً همه شرایطی که در زمان تأسیس و برای تأسیس سازمان‌های بین‌المللی تأثیرگذار بودند نمی‌توانند همواره پایدار باقی بمانند. با توجه به اینکه سازمان‌های بین‌المللی کارکردهای خود را باید در فضایی که وجود آنها را ایجاد می‌کند انجام دهند و با عنایت به

91. For example article 34 of treaty establishing the Southern African Development Community (SADC) provides: 1. A Member State wishing to withdraw from SADC shall serve notice of its intention in writing, a year in advance, to the Chairperson of SADC... 2. At the expiration of the period of notice, the Member State shall, unless the notice is withdrawn, cease to be a member of SADC.... 4. Assets of SADC situated in the territory of a Member State which has withdrawn, shall continue to be the property of SADC and be available for its use.

92. Amerasinghe, op. cit., 467.

93. Rebus sic stantibus.

94. Pacta sunt servanda.

۹۵. البته همان‌طوری که مورد اشاره قرار خواهد گرفت، این خود قاعده ربوس یا تغییر بنیادین اوضاع و احوال است که به عنوان یک مبنای انحلال خارج از سازمان در نظر گرفته می‌شود، ولی اعمال آن لاجرم یا به وسیله خود سازمان بین‌المللی است یا به شکل کناره‌گیری اعضاء انجام می‌پذیرد.

۹۶. برای مطالعه بیشتر در این خصوص رک: ضیایی بیگدلی، *حقوق معاهدات بین‌المللی*، پیشین، ۲۷۳.

ماهیت معاهده‌ای اساسنامه سازمان‌های بین‌المللی می‌تواند به قاعده ربوس یا تغییر بنیادین اوضاع و احوال در مورد انحلال سازمان تکیه کرد. آنچه که در خصوص قاعده ربوس باید بدان توجه نمود این است که این قاعده دارای آثار اتوماتیک نمی‌باشد به طوری که خود فی‌نفسه برای اختتام یک معاهده یا انحلال سازمان یا کناره‌گیری از معاهده یا سازمان کفایت کند.<sup>۹۷</sup>

به این ترتیب تغییر بنیادین اوضاع و احوال، به مثابه شرط<sup>۹۸</sup> ضمنی در حقوق معاهدات است که با تحقق شرایط لازم آن می‌تواند منجر به انحلال سازمان گردد. منظور از شرایط مذکور علاوه بر آنچه که برای آن در عرف و عهدنامه حقوق معاهدات برشمرده شده، اراده اعضای یک سازمان بین‌المللی است بر کناره‌گیری از سازمان و یا مطرح شدن موضوع در مجمع عمومی و اتخاذ تصمیم انحلال<sup>۹۹</sup>. به عبارت دیگر تغییر بنیادین اوضاع و احوال می‌تواند مقدمات انحلال را برای شیوه‌های دیگر فراهم سازد. لذا امکان این خرده‌گیری بر آن می‌رود که چرا باید به عنوان یکی از شیوه‌های انحلال محسوب گردد.

از جمله سازمان‌های بین‌المللی که طبق قاعده ربوس امکان انحلال در آنها بیشتر می‌رود، سازمان‌های دفاع جمعی است. موافقتنامه‌های نظامی به طور قابل ملاحظه‌ای در معرض انحلال و الغای ناشی از موقعیت‌های پیش‌آمده هستند، این امر دلالت بر این دارد که حقوق بین‌الملل در مواردی که امور پایدارند مؤثر است.<sup>۱۰۰</sup>

## نتیجه

بحث انحلال در حقوق بین‌الملل در پیوند با شخصیت‌های حقوقی بین‌المللی است که مطرح می‌شود و دامنه‌ای به گستره تابعان نظام حقوق بین‌الملل دارد. و به طور کلی به مفهوم پایان

97. Anthony Aust, *Modern Treaty Law and Practice* (Cambridge University Press, 2000), 241.

98. Clause (Clausula in Latin).

99. See. Hans Kelsen, *The law of united Nations: A critical analysis of its fundamental problems* (New York: F.A. Praeger, 1950), 128.

100. Brett Ashlee Leeds and Burce Savun, "Terminating Alliances: Why do states abrogate agreements?," *Journal of Politics* 69 (2007), 1119.

سخن از تأثیر حقوق بین‌الملل در فوق نمی‌تواند به معنای ناکارآمدی حقوق بین‌الملل باشد، این جمله با توجه به ماهیت پویای حقوق بین‌الملل قابل توجیه است و بیشتر با بحث حقوق بین‌زمانی (Intertemporal Law) موجود در حقوق بین‌الملل است که ارتباط می‌یابد، بر این اساس می‌توان به شرح کمیسیون حقوق بین‌الملل بر ماده ۱۳ طرح مواد راجع به مسؤولیت دولت‌ها اشاره کرد که در آن بیان می‌دارد که برای تحقق مسؤولیت، نقض تعهد باید زمانی رخ داده باشد که آن دولت ملزم به آن باشد.

کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، *مسؤولیت بین‌المللی دولت: شرح و مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل*، ترجمه علیرضا ابراهیم گل (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۸۹)، ۹۲.



پذیرفتن شخصیت حقوقی بین‌المللی است. با این حال در مورد سازمان‌های بین‌المللی عقاید یکسانی در مورد مبنای انحلال آنها وجود ندارد. از یک طرف انحلال را مبتنی بر اراده دولت‌ها ساخته‌اند و نقش اراده و ماهیت سازمان‌های بین‌المللی را در آن نادیده انگاشته‌اند، و از طرف دیگر با بی‌اعتنایی به ماهیت سازمان‌های بین‌المللی انحلال را صرفاً به اراده خود سازمان‌ها موکول ساخته‌اند. حال اینکه با توجه به ماهیت و مبنای معاهده‌ای سازمان‌های بین‌المللی و نقش دولت‌ها در ایجاد و تأسیس آنها و نیز شخصیت حقوقی مستقل سازمان‌های بین‌المللی و نیز با در نظر گرفتن شیوه‌های مختلف انحلال باید مبنای دیگری برای انحلال سازمان‌ها در نظر گرفت؛ الف. مبنای درون‌سازمانی انحلال، که به همه آن دسته از موارد انحلال سازمان‌های بین‌المللی اشاره دارد که در درون نظام حقوقی یک سازمان بین‌المللی از سند مؤسس آن گرفته تا تصمیمات ارکان تصمیم‌گیرنده برای انحلال را در برمی‌گیرد. ب؛ مبنای خارج از سازمان انحلال سازمان‌های بین‌المللی. که حاکی از مواردی است که در آن انحلال سازمان توسط تصمیمات خود سازمان رخ نمی‌دهد و این تصمیم دولت‌های عضو به پایان بخشیدن به تداوم شخصیت حقوقی سازمان‌های بین‌المللی است که اهمیت می‌یابد این امر به ویژه در آن شیوه از انحلال که دولت‌های عضو با انعقاد معاهده‌ای دیگر به حیات سازمان بین‌المللی خاتمه می‌دهند مشهودتر است.

## فهرست منابع

- امیدی، علی. «گسترش مفهومی حق تعیین سرنوشت: از استقلال ملل تحت سلطه تا حق دمکراسی برای همه». فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۳۸ (۱۳۸۷): ۲۳-۱.
- بیگزاده، ابراهیم. حقوق سازمان‌های بین‌المللی. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۹.
- پاسبان، محمدرضا. حقوق شرکت‌های تجاری. چاپ سوم. تهران: سمت، ۱۳۸۷.
- زمانی، سید قاسم. حقوق سازمان‌های بین‌المللی: شخصیت، مسؤولیت، مصونیت. چاپ پنجم. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۸۸.
- ساداتی‌فر، سیده سپیده. «جانشینی دولت‌ها در معاهدات حقوق بشری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا. «رژیم حقوقی دریای خزر از دیدگاه جانشینی کشورها». مجله پژوهش حقوق و سیاست ۲۶ (۱۳۸۸): ۲۷۴-۲۶۱.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا. حقوق معاهدات بین‌المللی. تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۳.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، و همکاران. مترجم. مجموعه آراء و نظریات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری. ج ۱. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۷.
- فلسفی، هدایت‌الله. حقوق بین‌الملل معاهدات. تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۳.
- کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد. مسؤولیت بین‌المللی دولت: شرح و مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل. چاپ دوم. ترجمه علیرضا ابراهیم گل. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهردانش، ۱۳۸۹.
- کوک‌دین، نگوین، پاتریک دینینه و آلن پله. حقوق بین‌الملل عمومی. ج ۱. ترجمه حسن حبیبی. تهران: مؤسسه اطلاعات، ۱۳۸۲.
- هوهن فلدرن، آیگناتس زایدل. حقوق بین‌الملل اقتصادی. چاپ چهارم. ترجمه و تحقیق سید قاسم زمانی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۵.
- Agreement establishing the European Molecular Biology Laboratory.
- Amerasinghe, C. F. *Principles of the Institutional Law of International Organizations*. 2<sup>nd</sup> Ed. Cambridge University Press, 2005.
- Arato, Julian. "Treaty Interpretation and Constitutional Transformation: Informal Change in International Organizations." *Yale Journal of International Law* 38 (2013). SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2142083>.
- Aust, Anthony. *Modern Treaty Law and Practice*. Cambridge University Press, 2000.
- Barkin, J. Samuel. *International organization: Theories and Institutions*. New York: PALGRAVE MACMILLAN, 2006.
- Bedjaoui, Mohammad. *International Law: Achievements and Prospects*. First Ed. Boston/ Leiden: Martinus nijhoff, 1991.
- Brett, Ashlee Leeds, and Burce Savun. "Terminating Alliances: Why do states abrogate agreements?." *Journal of Politics* 69 (2007): 1118-1132.
- Brolman, Catherine. *The Institutional Veil in Public international law international Organizations and the law of treaties*. Oxford: HART PUBLISHING, 2007.
- Charter of United Nations.
- Cho, Sungjoon. "Toward an Identity Theory of International Organizations." *Northwestern Journal of International Law & Business* 46 (2013): 1-22. Last modified December 10, 2013. doi: 10.2139/ssrn.968433.

- Convention establishing the European Centre for Medium- Range Weather Forecasts.  
Convention for the establishment of a European Space Agency.
- Crowford, James. *The creation of States in International Law*. 2<sup>nd</sup> Ed. Oxford University Press, 2006.
- D'Aspremont, Jean. "The Multifaceted concept of the Autonomy of International Organizations and International legal discourse." In *International Organizations and the idea of Autonomy*, edited by R. Collins, N.D. White. London: Routledge, 2011. SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1621762>.
- Garner, Bryan A. *Black's Law Dictionary*. 8<sup>th</sup> Ed. Thomson west, 2004.
- Herbst, Jochen. "Observations on the Right to Withdraw from the European Union: Who are the "Masters of the Treaties"?" *German Law Journal* 06 (2005): 1755-1760.
- Kelsen, Hans. *The law of united Nations: A critical analysis of its fundamental problems*. New York: F.A. Praeger, 1950.
- Klabbers, Jan. *An Introduction to International Institutional law*. 2<sup>nd</sup> Ed. Cambridge University Press, 2002.
- Lisztwan, Julia. "Stability of Maritime Boundary Agreements." *The Yale Journal of international law* 37 (2011).
- Malanczuk, Peter. *Akehurst's Modern Introduction to International Law*. 7<sup>th</sup> Ed. London: Routledge, 1997.
- Mallory, Ian A. "Conduct Unbecoming: The Collapse of International Tin Agreement." *American University International Law Review* 5 (1990): 835-892.
- Mendelson, Maurice. "The international court of justice and the sources of international law." In *Fifty years of the international court of justice*, edited by Vaguhan Lowe, Malgosia Fitzmaurice. Cambridge University Press, 1996.
- Myers, Patrick R. *Succession between International Organizations*. London and New York: Kegan Paul International, 1992.
- Ryngaert, Cedric, and Holly Buchanan. "Member State Responsibility for the Acts of International Organization." *Utrecht Law Review* 7 (2011): 131-146.
- Sands, Philippe, and Pierre Klein. *Bowett's Law of International Institutions*. 5<sup>th</sup> Ed. Sweet & Maxwell, 2001.
- Schechter, Michael G. *Historical Dictionary of International Organizations*. 2<sup>nd</sup> Ed. Lanham. Toronto. Plymouth, UK: The Scarecrow Press, Inc, 2010.
- Schermers, Henry G., and Blokker, Niels M. *International Institutional Law Unity within diversity*. 4<sup>th</sup> Ed. Boston/ Leiden: Martinus Nijhoff publishers, 2003.
- Seyersted, Finn. *Common law of international organizations*. Leiden, Boston: Martinus Nijhoff, 2008.
- Shaw, Malcolm N. *international law*. UK: Cambridge University Press, 2008.
- Treaty establishing the European Coal and Steel Community (Paris, 18 April 1951).
- Treaty establishing the Southern African Development Community.
- Ubertazzi, Benedetta. "The End of the ECSC." *European Integration online Papers (EIoP)* 8 (2004). <http://eiop.or.at/eiop/pdf/2004-020.pdf>.
- Vienna Convention on the Law of Treaties 1969.
- Wessel, Ramses. "Dissolution and Succession: The transmigration of the Soul of International Organizations." In *Research Handbook on International Organizations*, edited by Jan Klabbers, Asa Wallendal, 342-362. Cheltenham: Elgar Publishers, 2011.
- Wheatley, Steven. *Democracy, Minorities and International law*. Cambridge University Press, 2005.

## Reflections on Dissolution of International Organizations

*Dr. Mansour Jabbari*

Professor of International Law, Allameh Tabataba'i University,  
Email: mansorjabari@gmail.com

&

*Masoud Ahsannejad*

LLM at International Law, Allameh Tabataba'i University,  
Email: Masoud\_ahsannejad@yahoo.com

### **Abstract:**

There are many situations that International Organizations confront with during their existence. Dissolution of IOs and termination of their international legal personality is considered to be one of the most important parts of their lives. The role of establishing treaties in the continuance of IOs' life as their constitution beside the role of States in their creation on one hand, and the autonomy and international legal personality of IOs on the other, has raised different approaches on the basis of dissolution of IOs.

Some has come to the conclusion that the will of States is the base of dissolution of IOs, while others believe IOs are the only competent power to dissolve themselves. In this article we have tried to reach a thorough conclusion on the issue considering the nature of IOs and the methods available for their dissolution.

**Keywords:** International Organizations, International Legal Personality, Basis of Dissolution, Ways of Dissolution

# Journal of LEGAL RESEARCH

**VOL. XV, No. 2**

**2016-2**

- **The Commercial Custom Rules in International Trade, Interaction between CISG & Incoterms Rules**  
Dr. Mahmood Bagheri – Soroush Rostamzad Asli – Naser Azizi
- **Systems of Regulation of Advertising Aimed at Children in Television**  
Dr. Bagher Ansari – Manijeh Hashemian
- **Reflections on Dissolution of International Organizations**  
Dr. Mansour Jabbari – Masoud Ahsannejad
- **European Union's Regulations on the Approximation of Nations and the Achievement of European Federalism**  
Seyed Hossein Tabatabaei
- **Modern Criminology and Relationship between Crimes**  
Dr. Alireza Milani – Mohammad Hajighasemi Ardebili
- **Protection of Children in Armed Conflicts in the Context of International Instruments**  
Armin Talaat – Mohammad Ahangar Asil
- **Human Rights Council against the National Politics of States: Some Remarks on the Case of North Korea**  
Aramesh Shahbazi – Samsam Avazpoor
- **Comparing between Limitations of Issuing Notarize Acts and Secure Electronic Documents**  
Abbas Karimi – Amir Sepahi
- **The Inventive Step Requirement in Iranian Patent System**  
Hamed Najafi – Mahsa Madani
- **Myanmar Crisis in the Mirror of the Human Rights Council**  
Marziye Ghalandari
- **A Study of Incomplete Crimes in Iran Penal Law**  
Alireza Rahmaninaimabadi



**S. D. I. L.**

**The S.D. Institute of Law**  
Research & Study